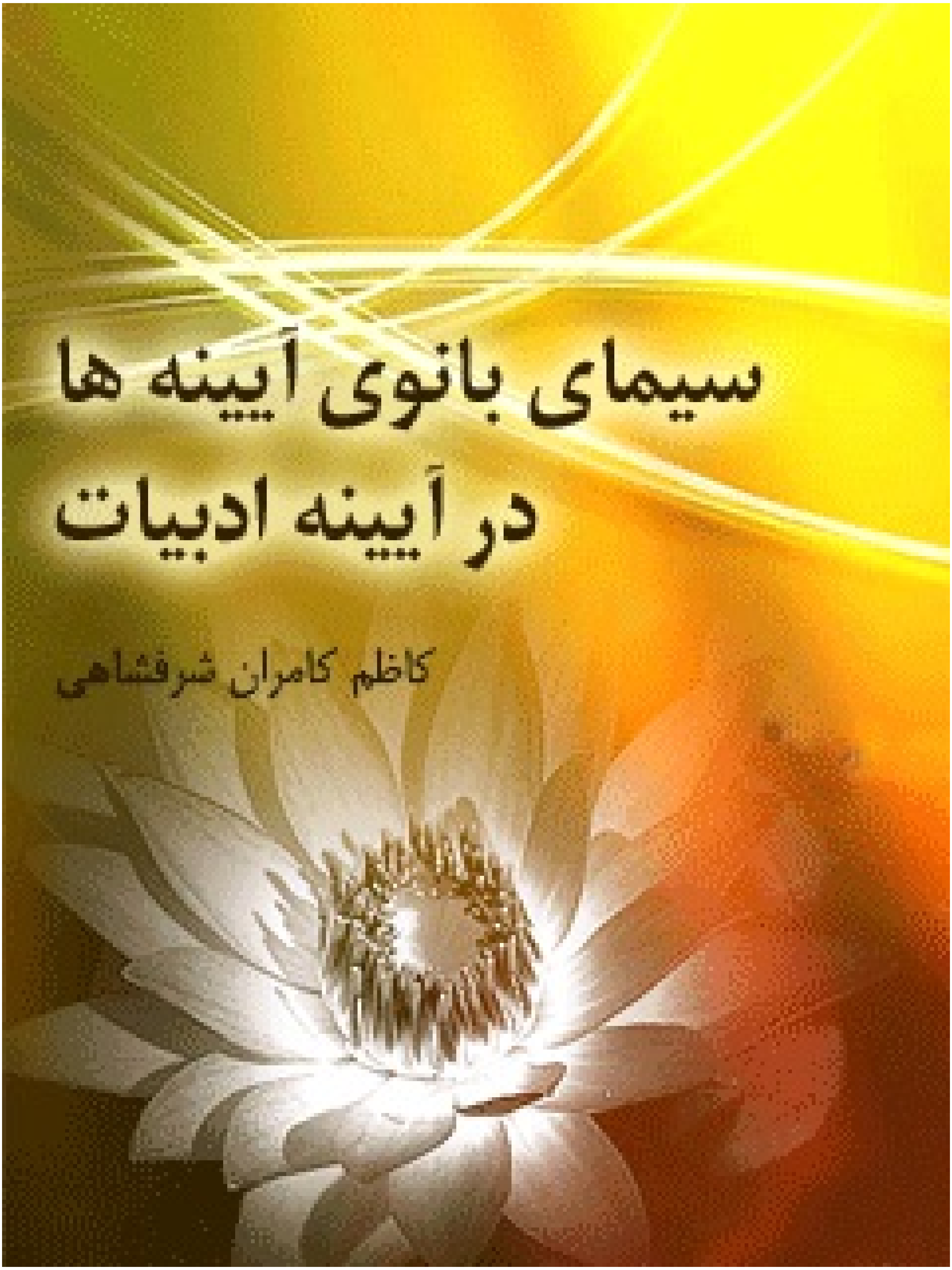

سیمای بانوی آیینه ها
در آیینه ادبیات
کاظم کامران شرفشاهی

بسم الله الرحمن الرحیم

سیمای بانوی آینه‌ها در آیینه ادبیات

نویسنده:

کاظم کامران شرفشاهی

ناشر چاپی:

اطلاعات

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سیمای بانوی آینه‌ها در آیینه ادبیات

مشخصات کتاب

سرشـناسه : کامران‌شرفشاهی، کاظم عنوان و نام پدیدآور : سیمای بانوی آینه‌ها در آیینه ادبیات/کاظم کامران شرفشاهی منشا مقاله : اطلاعات ، ۲۱ تیر ۱۳۸۶: : ص ۶ توصیفگر : فاطمه زهرا (س) توصیفگر : شاعران توصیفگر : شعر توصیفگر : ادبیات عرب توصیفگر : ادبیات فارسی

بخش ۰۱

اشاره

عظمت شخصـیت و جایگاه رفیع بزرگ بانوی اسلام حضرت زهرا (س) هنوز ناشناخته مانده است و چه بسیار فضایل و کراماتی که در کتب تاریخی از ایشان روایت شده اما در عرصه ادبیات ما ناسروده باقی مانده است. بی‌گمان حضرت صدیقه طاهره (س) دارای شخصـیتی شـگفت و بسـیار عمیق و تأثیرگـذار بوده است. آنچنـان که مطـالعه زنـدگانی پرخیر و برکت ایشان به راستی اعجاب‌آور است. زیرا علیرغم عمر کوتـاه دینوی - که براسـاس شـهادت اکثر منابع بیش از هجـده سال نبوده است - ثمرات بسـیار گرانبهایی از ایشـان به یادگـار مانـده است. به این ترتیب، میراث مظلومه بزرگ اهلبیت (ع) از یکسو سـیره ایشـان است که شامـل رفتـار و شـیوه زنـدگانی مردمی و پرهیزگـارانه آن بزرگوار است و از سوی دیگر آثـار برجامانـده از آن بـانوی گرامی که در برگیرنـده گفتار آن حضـرت است. متأسـفانه در اکثر آثـار ادبی، سـرایندگان و نویسـندگان کمتر به دیگر ابعـاد و زوایای زنـدگی حضـرت فاطمه (س) پرداخته‌انـد و بیشتر با رویکردی عاطفی به بیان مسـلمات و مشـهورات بسـنده کرده‌انـد. در حالی‌که یک اثر ادبی قابل تأمل، نیازمند برخورداری از دو بـال احساس و انـدیشه است. با مروری برآثاری که در این زمینه خلق شـده است به این واقعیت می‌رسـیم که اکثر ادبا آنقـدرها که از «قبر» ناشـناس ایشان سـخن گفته‌انـد، از «قدر» ناشـناخته آن زن نمونه سـخن به میان نیاورده‌اند. حال آنکه انسان امروز بیش از هر زمـان دیگری نیازمنـد درک و شـناخت قـدر و منزلت آن بـانوی بزرگوار است. شایـد علت این غفلت را بتوان در عـدم مراجعه به تاریـخ و مطـالعه آثـاری که دربـاره آن حضـرت وجود دارد جسـتجو کرد. زیرا چگونه ممکن است که از فرازهـای فراوان زنـدگی ایشـان کمتر اثری در آثار ادبی دیـده شود و به جای آن شاهـد کلی گویی‌هایی یک شـکل و همسان بود؟ به عنوان مثـال، حضـرت فـاطمه زهرا (س) با آنکه فرزنـد رسول خـدا (ص) و همسـر حضـرت علی‌بن ابیطالب (ع) بوده و از موقعیتی ممتاز و بسـیار برجسته برخوردار بوده‌انـد، امـا زنـدگانی خیلی سـاده و حتی دشواری داشـته‌اند که به گواه روایـات، تحمل آن از عهـده هر انسـانی سـاخته نبوده است. با این حال، احسان و کمک به دیگران و رعایت حقوق سایر همنوعان بخش زیبا و عظیمی از زنـدگانی ایشان را فراگرفته است. این فرازها در آثار ادبی نمودی بسـیار اندک داشـته است. به عبارت دیگر، عمده آثار ادبی، به لحاظ محتوا دارای بـار معنـا و اطلاعـاتی افزون از آنچه مردم کوچه و بـازار به نیکی می‌داننـد، به مخاطب ارائه نمی‌دهـد. اصولاً در اکثر آثار، نه ردی از سـیره آن حضـرت به چشم می‌خورد و نه اثری از کلام آن حضـرت دیـده می‌شود. در حـالی که در خطبه‌هـای شورانگیز و سخنـان گهربـار آن بـانوی فرزانه، جهـانی بی‌پایـان از معنویت و عرفـان نهفته است که می‌توانـد انگیزه، راهنمـا و راهگشـای انسـان دردمنـد و نیازمنـد اعصار و قرون باشـد. بخش دلپذیری از زندگانی حضـرت زهرا (س) اختصاص به اشـعاری دارد که توسط ایشان سروده شده و این اشـعار در کتابهای مختلف نقل و در کتاب «نهج‌الحیات» گردآوری و منتشـر شده است. موضوع این اشـعار شامل رثای پدر ارجمند آن حضـرت، همدردی با تهیدسـتان، ازدواج با حضـرت امیرالمومنین (ع)، تربیت فرزندان، همسرداری و شکوه از

دنیاست. در واقع این اشعار بیانگر بلاغت و مهارت آن بانوی یگانه در قلمرو نظم و هر یک از اشعار سرشار از مضامین دل‌انگیز و نکته سنجی‌های ارزنده‌ای است که متأسفانه این مهم آن طور که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته است و چه بسا بسیاری از مردم هنوز نمی‌دانند از حضرت زهرا (س) اشعاری نیز به یادگار رسیده که لبریز از مهر و عرفان و عالیترین جلوه‌های اخلاق است. اوضاع خطیر عصر حاضر ایجاب می‌کند که شاعران و نویسندگان در آثار خویش بکوشند تا پیام شکوهمند و سرنوشت‌ساز آن حضرت به گوش جان مردم برسد. در واقع اشعار فاطمی باید تبلور آشکار متعهدترین شعر روزگار ما باشد. شعری که ارزش‌گرا و حق‌مدار باشد و بتواند به انسان پریشان و راه گم کرده این دوران، حقیقت نورانی وجود مقدس حضرت فاطمه زهرا (س) را به عنوان الگویی کامل و برتر یادآور شود و روش زندگی آن حضرت را به عنوان یک مدل الهی که به رستگاری دنیا و آخرت می‌انجامد، در حد توان معرفی کند. شاعری که خود را فاطمی می‌داند نباید نسبت به درد بزرگ حضرت فاطمه، اندیشه و دغدغه‌های ایشان فاصله داشته باشد. بی‌تردید مطالعه تاریخ زندگانی آن حضرت و اندیشه و انس با کلام ملکوتی آن بانوی دو جهان، موجبات ارتقای توانایی‌های شاعران و دست یافتن آنان به افق‌های تازه‌ای خواهد شد. درخصوص شخصیت مقدس حضرت امابیها (س) و فضایل و کرامات بی‌شمار آن بانوی مکرمه تاکنون کتابهای ارزنده بسیاری به رشته تحریر درآمده است و بسیاری از علما و اندیشمندان در اعصار و قرون گذشته و نیز عصر حاضر کوشیده‌اند تا هر یک در حد بضاعت خویش در بیان زوایایی از شخصیت سترگ و الهی آن حضرت نقشی ایفا نمایند. در این عرصه پهناور، آنچه تا به حال کمتر بدان پرداخته شده است، قلمرو سحرانگیز ادبیات است که با نگاهی ژرف در این گستره شگفت می‌توان به جلوه‌های تازه و ناگفته‌های دلپذیری دست یافت. به تحقیق و به شهادت تاریخ، در طول حیات پرفراز و نشیب بشریت، هرنام و واقعه‌ای به سهولت امکان راهیابی به قلمرو ادب و هنر را نداشته است و چه فراوان است اسامی و وقایعی که حتی علیرغم وسعت و عظمت، به هیچ وجه مورد اشاره و استقبال اهل قلم قرار نگرفته و یا اینکه در اندک آثار معدودی به آن اشاره مختصری شده است که همین اندازه نیز در رهگذر زمان به تدریج رنگ باخته و به فراموشی گراییده است. یکی از جهات شکوهمند و جلوه‌های عظمت آسمانی شخصیت حضرت ام‌الائمه (س) رویکرد گسترده و اعجاب‌آور سخن سرایان و هنرمندان نسبت به تعظیم و تکریم مقام و منزلت آن بانوی بانوان است تا بدانجا که به جرات می‌توان ادعا کرد که در طول تاریخ هیچ بانویی تا به این میزان مورد احترام و ستایش سخن‌سرایان واقع نشده است. کثرت آثار در این باره به اندازه‌ای وسیع و حیرت‌انگیز است که محاسبه دقیق آن به راستی دشوار و چه بسا امکان ناپذیر است و به یکی دو زبان و چند لهجه نیز محدود نمی‌شود. به علاوه، شور و ارادت شاعران در این عرصه با گذشت ایام نه تنها هرگز روی در کاستی و زوالی ننهاده، بلکه به مرور بر این عشق و ارادت بی‌نظیر آنچنان افزوده شده که به گواه آثار خلق شده در این زمینه می‌توان گفت که آفرینش چنین آثاری همواره رو به فزونی بوده است و ناگفته نیز نماند که برخی از شاعران در این طریق تنها به یک سروده اکتفا نکرده‌اند. ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که بسیاری از شاعران در سروده‌های متعدد خویش از قالب‌هایی نظیر قصیده و مثنوی سودجسته و در ابیات فراوانی کوشیده‌اند تا در حد استطاعت خویش حق مطلب را به زیباترین شکل ممکن ارائه نمایند. در سده‌های نخست هجری، جاهلیت عرب از یکسو واختناق دستگاه خلافت امویان و عباسیان از سوی دیگر مانع از این بودکه شاعران بتوانند آزادانه و بی هیچگونه رعب و وحشتی در منقبت و رثای آن بانوی گرامی و مصائبی که بر او گذشت شعر بسرایند، و چه بسیار آثاری که توسط این دستگاه‌ها مورد تاراج قرار گرفت و سراینده آن به سخت‌ترین مجازات‌ها گرفتار آمد. لیکن شعر فاطمی علیرغم همه این موانع، راه خود را به سمت آینده بازگشود تا پیام سرخ خویش را به نسل‌ها و عصرهای آینده برساند. سیمای پرفروغ بانوی ممتاز آیین اسلام در شعر شاعران شیعی و غیرشیعی، بیانگر عظمت بانویی است که وارث راستین خاندان رسالت است و تجسم دردناک سهمگین‌ترین و عظیم‌ترین مظلومیت‌ها.

حضرت فاطمه در آیینه ادبیات

یکی از فضایل غیرقابل انکار و بزرگ بانوی ممتاز اسلام، که در بسیاری از کتب معتبر تاریخی مورد ستایش قرار گرفته است، احاطه ادبی و تسلط ایشان در سخن‌سرایی بوده است. ابوالفضل احمدبن ابی‌طاهر مروزی (۲۰۴ - ۲۸۰ ه. ق) مؤلف کتاب «بلاغات‌النساء» در کتاب ارجمند خویش خطبه شورانگیز، شیوا، بلیغ و تاریخ‌ساز حضرت فاطمه‌زهرا (س) در مسجد مدینه را در شمار بهترین و تفکرانگیزترین آثار بانوان صدر اسلام ذکر کرده است. این خطبه آنچنان قوی و به لحاظ ادبی برخوردار از آرایه‌های لفظی و معنوی فراوان و خصوصاً صنعت سجع است که برخی از محدثان سنت و جماعت را برآن داشته که در اصالت آن تردید نمایند و آن را به «ابوالعیناء» نسبت دهند! مهمترین استدلال این گروه براین پایه استوار است که برای بیان شکوه و دادخواهی و سخن گفتن با عامه مردم، زبان گفتاری می‌بایست نثر مرسل باشد. در حالی که هنر سجع‌گویی در خاندان رسول اکرم (ص) امری عادی به شمار می‌آمده و گذشته از این نکته نیز هنر سجع گویی حتی پیش از ظهور اسلام نیز در شهر مکه رواج بسیار داشته است. از طرفی، این نکته نیز شایان تأمل فراوان است که نخستین دسته از آیات مکی قرآن کریم نیز بدین صورت نازل شده است. در خطبه حضرت زهرا (س) علاوه بر سجع، از صنایع ادبی دیگری همانند تشبیه، استعاره، کنایه، موازنه، ترصیع، تضاد و گونه‌های دیگری نیز استفاده شده است که این موضوع حکایت از دانش ادبی گسترده آن بانوی گرامی دارد. در اهمیت و اصالت این خطبه، احمدبن‌ابی‌طاهر در حدیثی از زیدبن علی‌بن حسین بن زیدالعلوی آورده است که پیرمردان آل‌ابوطالب این خطبه را از دختر پیامبر (ص) روایت کرده‌اند و آن را به فرزندان خویش می‌آموختند و به یکدیگر درس می‌داده‌اند. از دلایل دیگر ناظر بر اصالت داشتن این مهم، می‌توان به خطابه‌های حضرت امیرالمومنین امام علی‌بن‌ابیطالب (ع) و دیگر فرزندان ایشان و به ویژه به خطابه‌های آتشین حضرت زینت کبری (س) در مجلس عبیدالله بن زیاد اشاره کرد. چنانکه ابن‌زیاد نیز در این مجلس به بلاغت حضرت علی (ع) خاندان بنی‌هاشم و تیره عبدمناف اقرار نمود. علاوه بر آنچه ذکر شد، دیگر احادیثی که از آن بانوی عظیم‌الشان به یادگار رسیده است را می‌توان به عنوان شاهدی دیگر بر فصاحت و بلاغت سخنان ایشان به شمار آورد. در این احادیث، اندیشه آسمانی ریحانه رسول اکرم (ص) با زیباترین کلمات و تعابیر آراسته شده است؛ به نحوی که خواننده یا شنونده از مطالعه یا استماع آن احساس شیفتگی و جذبه‌ای ملکوتی می‌یابد. و اما در قلمرو شعر نیز اشعاری به آن حضرت منسوب است که برخی از این اشعار در معتبرترین کتاب‌ها به طور متواتر نقل شده است. آنچنان که تردید در این مسأله جایز به نظر نمی‌آید. به ویژه فضای خاص و نحوه تکلم با مخاطبان خاص شکی برجای نمی‌گذارد که این اشعار متعلق به آن حضرت است.نخستین شعر، سروده‌ای است که مربوط به لحظه‌های آغازین زندگانی زناشویی آن حضرت است. شعری با مضمون ستایش همسر نمونه‌اش امام علی (ع): اضحی‌الفخارلنا و عزشامخ ولقد سمونا فی بنی‌عدنان فلت‌العلاوعلوت فی کل‌الوری وتقاصرت عن مجدک الثقلان اعنی علیاخیرمن وطاالثری ذالمجد والاء فضال والاءحسان فلهُ المکارم والمعالی والحبا ماناحت الاء طیارفی الاغصان یعنی: ۱- افتخار و عزت والا از آن ما شد و ما در میان فرزندان «عدنان» سربلند شدیم. ۲- تو به بزرگی و برتری رسیدی و از همه آفریده‌ها والاتر شدی و جن و انس از عظمت تو عقب ماندند. ۳- معصوم «علی» است. بهترین کسی که گام برخاک نهاده؛ بزرگوار و دارای احسان و نیکی. ۴- والایی‌های اخلاقی و بزرگی‌ها از آن اوست، تا آنگاه که مرغان برشاخه‌ها به ترنم مشغولند. در روایتی که در کتاب‌هایی همچون «مناقب ابن‌شهرآشوب»، «مسنداحمد»، «عوالم»، «بحارالانوار»، «فتح‌الباری»، «فضائل‌خمسه» و... نقل شده، آمده است که حضرت زهرا (س) هنگام بازی دادن کودکان خود این اشعار را زمزمه می‌کرده‌اند: اشبه اباک یا حسن واخلع عن‌الحق الرسن واعبدالها ذاالمنن ولا‌ـ توال ذالاحسن یعنی: ۱- حسن جان! مانند پدرت باش، ریسمان ظلم را از گردن حق برکن. ۲- خدایی را بپرست که صاحب نعمت‌های فراوان است وهیچگاه با صاحبان ظلم و تعدی دوستی مکن. وآنگاه که امام‌حسین (ع) را بر روی دست نوازش می‌داد، می‌فرمود: انت شبیه با بی لست شبیهاً بعلی یعنی: حسین جان! تو به پدرم رسول‌الله (ص) شباهت داری و به پدرت شبیه نیستی. امام

علی (ع) این اشعار را می‌شنیدند و تبسم می‌فرمودند. در روایت دیگری که در کتب «تفسیرالبرهان»، «امالی شیخ صدوق»، «احقاق الحق»، «تفسیر نورالثقلین»، «نورالابصار»، «تفسیر فرات الکوفی» و.... آمده است، حکایت از آن دارد که روزی گرسنه‌ای، در منزل امام علی (ع) را کوبید و تقاضای کمک کرد. امام در قالب شعری، نیازمندی آن تهیدست را به حضرت فاطمه بازگو کرد و تذکر داد که اگر امکان دارد، به او مساعدت شود و حضرت فاطمه (س) نیز با شعر چنین پاسخ گفت: امرک سمع یا بن عم و طاعه ما بی من لوم و لا ـ و ضاعه اطعمه و لا ابالی الساعه ارجو اذا اشبعت من مجاعه یعنی: ۱- فرمان تو را ای پسرعمو بی‌درنگ اطاعت خواهم کرد. از طرف من تو را در این پیشنهاد سرزنشی نخواهد بود. ۲- هم اکنون این گرسنه را اطعام می‌کنم و به یاد آینده خویش نخواهم افتاد و آرزو دارم با شکم گرسنه در راه خدا ایثار کنم. در این روایت چندین بار امام علی (ع) و حضرت فاطمه زهرا (س) با زبان شعر با یکدیگر گفتگو می‌کنند. رحلت رسول گرامی اسلام حضرت محمدبن عبدالله (ص) فاجعه‌ای بس بزرگ و جبران‌ناپذیر بود و اندوه این واقعه دردناک بر فاطمه زهرا (س) که پدر، او را «ام ابیها» می‌خواند و همه از شدت علاقه این دختر به پدر بزرگوارش آگاه بودند، بسیار سخت و طاقت فرسا بود. اندوهی که هیچگاه پایانی نداشت و بیقراری فاطمه در این مصیبت جانکاه به گونه‌ای جلوه‌گر بود که شگفتی تمامی مردمان، از دوست و دشمن را برانگیخته بود. به شهادت روایاتی که درکتب تاریخی مربوط به این دوره ثبت و ضبط شده است، حضرت صدیقه طاهره (س) اندوه خویش را در قالب سوگ سروده‌هایی بر مزار شریف پدر عالیقدر خویش زمزمه می‌کرد. اشعاری که از این دوره نقل و به ما یادگار رسیده است را می‌توان به ۲ دوره تقسیم کرد: ۱- نخست اشعاری که صرفاً مرثیه است و بیانگر غم و اندوه ناشی از رحلت پدری عالیقدر که پیامبر بزرگ خداست و بیان صفات و فضایل آن رسول گرانقدر است. در این اشعار با زیباترین و لطیف‌ترین کلمات و تشبیهات از هجران رسول خدا (ص) یاد شده است و بیتابی در آن موج می‌زند. تا بدانجا که تحمل زندگانی پس از پیامبر را بسیار دشوار و ناممکن توصیف می‌نماید در اشعاری که در کتاب «احقاق الحق» (ج۱۹ ص۱۶۰) آمده، چنین می‌خوانیم: قل صبری و بان عنی عزائی بعد فقدی لخاتم الانبیاء عین یا عین اسکبی الدمع سحا ویک لاتنجلی بفیض الدماء یا رسول الله یا خیره الله و کهف الایتام و الضعفاء قد کتک الجبال و الوحش جمعا والطیر و الارض بعد بکی السماء و بکاک الحجون و الرکن و المشعر یا سیدی مع البطحاء وبکاک المحراب والدرس للقر و ان فی الصبح معلناً و السماء و بکاک الاسلام اذا صارفی الناس غریباً من سائر الغرباء لو تری المنبر الذی کنت تعلوه علاه الظلام بعد الضیاء یا الهی عجل و فاتی سریعاً لقد تنغفت الحیاه یا مولائی یعنی: صبر و تحمل من کوتاه و عزا و مصیبتم آشکار است؛ چون خاتم پیامبران را از دست داده‌ام. دیده! ای دیده، اشک ببار! وای بر تو اگر سیل اشک را جاری نسازی. ای رسول خدا، این برگزیده حضرت حق، ای پناه یتیمان و مستضعفان، کوهها و حیوانات و پرندگان برتو می‌گریند. زمین هم پس از آسمان گریست. شهر مکه ورکن و مشعر و سرزمین بطحاء اشکها باریدند. و محراب و محل درس قرآن در صبح و شب از فراق تو گریه دارند. و اسلامی که در میان تو غریب و تنها مانده است برتو می‌گرید. پدرجان، اگر منبرت را بنگری خواهی دید که پس از نور و روشنایی، ظلمت از آن بالا می‌رود خدایا مرگم را زود مقرر فرما؛ زیرا زندگی دنیا بر من تیره و تاریک شده است. ۲- دسته دوم، اشعاری هستند که ضمن ابراز اندوه و دلتنگی، دارای لحنی گلایه‌آمیز از روزگار و بیانگر تنگناها و فشاری است که بعد از رحلت رسول‌اکرم (ص) گریبانگیر خاندان پاک آن حضرت شده است. به عبارت دیگر این اشعار را می‌توان نمونه‌های ارزنده‌ای از شعر متعهد آن روزگار به شمار آورد. شعری که با زبان شکایت به محضر نبی‌اکرم (ص)، از کجرویها، نفاق‌ها، انحراف‌ها و تنهایی بزرگ اهل‌بیت (ع) رسول خدا که در محاصره انواع و اقسام توطئه‌ها و دسیسه‌ها قرار گرفته‌اند و پایمال شدن حقوق آنان و نادیده انگاشته شدن شأن والای آنان حکایت دارد. در شعری که در کتاب عوالم (ج۱۱ ص۴۵۴) آمده است و همچنین در منابع دیگری همچون «مناقب» (ج۱ ص۲۴۲) و «وفاءالوفاء» (ج۲ ص۴۴۳) نیز ثبت شده است، چنین می‌خوانیم: صبت علی مصائب لوانها صبت علی الایام صدن لیالیاً قدکنت ذات جمی بظل محمد لااخش من ضیم و کان جمالیاً فالیوم اخشع للذلیل واتقی ضیمی و ادفع ظالمی

بردائیا یعنی: مصایبی برمن باریـدن گرفته که اگر بر روزها می‌باریـد، شب می‌شـد. من در سایه حیات و یاری محمـد بودم و از هیچ دشمن و کینه‌ای نمی‌ترسیدم و او جمال من بود.

بخش ۰۲

اشاره

در شـعری که در کتاب عوالم (ج۱۱ ص۴۵۴) آمـده است و همچنین در منابع دیگری همچون «مناقب» (ج۱ ص۲۴۲) و «وفاءالوفاء» (ج۲ ص۴۴۳) نیز ثبت شـده است، چنین می‌خوانیم: صـبت علی مصائب لوانها صبت علی الایام صدن لیالیاً قدکنت ذات جمی بظل محمـد لااخش من ضـیم و کان جمالیاً فالیوم اخشع للـذلیل واتقی ضـیمی و ادفع ظالمی بردائیا یعنی: مصایبی برمن باریدن گرفته که اگر بر روزها می‌بارید، شب می‌شد من در سایه حیات و یاری محمد بودم و از هیچ دشـمن و کینه‌ای نمی‌ترسیدم و او جمال من بود امروز در برابر فرومایگـان خاضـعم و بـاک دارم از تعـدی دشـمنان که ظالم را با پیرهنم دفع می کنم. این اشـعار بـدون شک نشانگر اوضـاع سیاســی و اجتمـاعی آن عصــر است و ســندی برمظلـومیت آن حضـرت و خانـدان پـاک وحی (ع). در شـعری غـم‌انگیز و تکان‌دهنـده کـه در کتابهـایی همچـون «طبقـات ابن‌سـعد» (ص۸۵۳)، «الابـدال» (ج۱ص۱۶۴)،«بلاغات‌النسـاء» (ص۱۲ابن‌طیفور، «مجمع‌بحارالانوار» (ج۳ص۴۹۱)، «الفـائق» (ج۳ ص۲۱۷)، «البـد و التاریـخ» (ج۵ ص۶۸)، «ریـاحین الشـریعه» (ج۱ ص۳۳۸)،«امالی»شیخ‌مفید (ص۴۱)، «تفسیرالبرهان» (ج ۳ص۲۶۴)، «تفسیرنورالثقلین» (ج۴ص۱۸۷)، «الطرائف» (ص۲۶۵)، «احتجاج» طبرسی (ص۹۲)، «الغدیر» (ج۷ ص۱۹۲)، «الوانی» (ج۲ ص۱۸۸)، «اعیان الشیعه» (ج۱ ص۳۱۸)، «کوکب الدری» (جزء اول ص۲۲۲) و.... بسیاری از کتابهای معتبر دیگر آمـده است، چنین می‌خوانیم: قـد کان بعـدک ابناء و هنبثه لو کنت شاهـدها لم یکبر الخطب انا فقد ناک فقد الارض و ابلها و اختل قومک فاشهدهم فقد نکبوا و کل اهل له قربی و منزله عند الاله علی الادنین مقترب ابدت رجال لنا نجوی صـدورهم لما مفیت و جالت دونک التوب تجهمتنا رجال و اسـتخف بنا لما فقدت و کل الارض مغتصب ... انا دز ئنابمالم یرز ذوشـجن من البریه لاعجم و لاعرب یعنی: بعد از تو خبرها و مسایل مختلف و بلاهای درهم و برهمی پیش آمد که اگر تو بودی آنچنـان بزرگ جلوه نمی‌کرد. مـا تو را از دست دادیم ماننـد سـرزمینی که از بـاران محروم شود، و قوم تو مختـل مانـد، بیـا ببین که چگونه از راه منحرف شدنـد. هر خانـدانی که برای او نزد خـدا قرب و منزلتی بود، نزد بیگانگان هم محترم بود، غیر از ما که حرمت مـا را در هم شکستند. مردانی چنـد از امت تو همین که رفتی و پرده خـاک میان ما و تو فاصـله انـداخت، اسـرار سـینه‌ها را آشـکار کردنـد. همین که تو رفتی، مردانی دیگر به مـا رو ترش کردنـد و مـا را کوچک شـمردند و هر زمینی از ما غصب شـد. به راستی ما بلادیدگان به مصـیبتی گرفتار شدیم که هیچ بلا دیده‌ای، نه در عرب و نه در عجم آنچنان مبتلا نشده است. از دیگر اشـعاری که به حضـرت فاطمه (س) منسوب است، شعری است که ورقه بن‌عبدالله از فضه همدم آن حضرت در واپسین روزهای زندگی نقل کرده است و در «ریاحین الشریعه (ج ۲ ص ۷۳) و چند کتاب معتبر دیگر این شعر دیده می‌شود. «ابکنی ان بکیت یا خیر هاد واسبل الدمع فهو یوم الفراق یا قرین البتول اوصـیک بالنسل فقد اصبحا حلیفا اشتیاق... یعنی: اگر خواستی گریه کنی، بر من گریه کن، ای بهترین راهنما و اشکها را سرازیر کن که امروز روز جدایی است. ای همدم فاطمه! وصیت می کنم تو را به فرزندانم که همدم شوق‌و محبت شده‌اند... در ادامه این شعر که مهر و دلواپسی مادرانه در آن متبلور است، حضرت فاطمه زهرا (س) آینده تلخ و سیاهی را پیش‌بینی می‌فرماینـد که سـرانجام به شـهادت فرزنـدان ایشان می‌انجامـد. آینـده‌نگری و یا به تعبیر دیگر پیشـگویی تاریخی از دیگر جلوه‌های اشـعار منسوب به حضرت فاطمه (س) است که البته در خطبه‌ها و سخنان به یادگار مانده از آن بانوی بزرگوار نیز شاهد این کرامت الهی هستیم. و اما نکته‌ای که جا دارد به آن اشاره شود اینکه غالباً کسانی که درصـدد تکـذیب این اشـعار برآمده‌انـد، همان کسانی

هستند که نه تنها منکر خطبه‌ها، بلکه حتی منکر بخشی از روایات و احادیث مربوط به تاریخ صدر اسلام و خصوصاً هر آنچه که مربوط به مظلومیت خاندان وحی (ع) است، می‌باشند. و این خط، استمرار همان جریانی است که از دوران صدر اسلام تمام تلاش خود را به کار بست تا هرگونه اثری را در این باره به یغما ببرد و از تاراج بخش اعظمی از این آثار هرگز فروگذار نکرد و در مقابل با جعل و تحریف تاریخ درصدد فضیلت تراشی برای دشمنان اهلبیت (ع) برآمد.

پیشگامان شعر فاطمی

شأن و شخصیت والای حضرت فاطمه زهرا (س) چنان شگفت و پر عظمت است که هیچ صاحبدل آگاه و متعهدی نمی‌تواند در برابر این همه بزرگی و پاکی سر تعظیم فرود نیاورد و زبان به تحسین و ستایش نگشاید. وجود مقدس آن بانوی پرهیزگار مجموعه‌ای از عالیترین صفات و ارزشهایی است که کمتر در وجود یک انسان اجتماع می‌کند. آن بانو، آیینه تمام‌نمای فداکاری، ادب، شجاعت، عصمت، ساده‌زیستی، نوعدوستی، دینداری، عفت، گذشت، صبر، استقامت، جهاد، صداقت و... است. او با آنکه فرزند پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) است، لیکن از تمام مردم عصر خویش در شرایط دشوارتری که به دلخواه برگزیده زندگی می‌کند. و آنچنان زندگی می‌کند که نه تنها زنان بلکه مردان و نه تنها مسلمانان بلکه پیروان سایر ادیان نیز او را سزاوارترین سرمشق و راهنمای خویش برمی‌شمارند. محبوب‌ترین بانوان جهان در نگاه سخن سرایان بزرگ، خاتون آینه و آب، بانوی عاطفه و ایثار، و یگانه‌ای است که در عظمت ولادت فرخنده‌اش سوره مبارکه کوثر نازل شد. سوره‌ای که سخن از عطای رحمتی بزرگ می‌گوید. بشارتی است که قلب محزون پیامبر (ص) را گرم می‌کند و به او نوید آینده‌ای بزرگ را می‌بخشاید. هیچکس نمی‌تواند فاطمه را نستاید و تاریخ گواه این سخن است که دوست و دشمن در مقابل او جز تکریم و سپاس و ستایش نکرده‌اند و به راستی چگونه می‌توان این همه بزرگی و شکوه را نادیده انگاشت، که هر کس نادیده انگارد خود را حقیر و کوچک نمایانده است و بس. علاوه بر تمام فضایل و کرامات، فاطمه دختر محمد (ص) و خدیجه (س) همسر علی مرتضی (ع)، مادر حسنین (ع) و زینب (س) و ام‌الائمه است و خویشان او همه از مجاهدان و شهیدان والامقام. فاطمه ممتازترین بانوان دو گیتی است. در چنین مرتبتی آسمانی است که هیچ بانویی همشان و همطراز او نبوده و نخواهد بود. پیرامون نخستین اشعاری که در باره حضرت فاطمه زهرا (س) سروده شده است، ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که اولاً- تمامی اشعاری که در باره آن بانوی بزرگوار سروده شده است به ما نرسیده، و سهواً یا عمداً بخشی از آن از میان رفته است و یا به صورت مکتوب ثبت نشده است. ثانیا علیرغم مبارزه پیامبر اکرم (ص) با رسوم غلط عصر جاهلیت، تعصبات جاهلی مانع از آن بوده تا شاعران به مدح و منقبت بانوان پرهیزگار نیز بپردازند و عرف حاکم را نادیده بگیرند. با نگاهی به گذشته، ظاهراً نخستین اشعاری که در باره حضرت فاطمه (س) سروده شده است و در کتب تاریخی به ثبت رسیده، مربوط می‌شود به مراسم ازدواج حضرت زهرا (س) با حضرت امیرالمومنین علی (ع). در مناقب ابن شهرآشوب اشعاری در این مراسم از ام‌سلمه روایت شده است: سرن بعون الله جاراتی واشکر نه فی کل حالات و اذکرن ما انعم رب العلی من کشف مکروه و آفات... یعنی: ای زنان پیغمبر و نزدیکان من! به کمک خدا حرکت کنید و در همه حال او را سپاسگزاری نمایید. نعمت پروردگار بزرگ را به یاد آورید که ناراحتی‌ها و آفات را از ما دور کرد. ابن‌شهرآشوب که این روایت را به نقل از ابن‌بابویه ذکر کرده است، در ادامه اشعاری را نیز از عایشه، حفصه ومعاذه مادر سعدبن‌معاذ نقل کرده است. در بخشی از شعر معاذه آمده است: و نحن مع بنت بنی‌الهدی ذی شرف قد مکنت فیه فی ذروه شامخه اصلها فما اری شیئاً یدانیه یعنی: به راه افتید با دخت پیامبر شریف و بزرگوار که شأن او والا و بی همانند است. او از نژادی شامخ و بلندمرتبه است که همانندی بر آن نمی‌بینم. در قطعه‌ای که از حفصه نقل شده، چنین آمده است: فاطمه خیر نساءالبشر و من لها وجه کوجه القمر فضلک‌الله علی کل الوری بفضل من خُص بآی الزّمر زوجک الله فتی فاضلاً اعنی علیاً خیر من فی‌الحضر فسرن جا راتی بها انّها کریمه بنت عظیم الخطر یعنی: فاطمه بهترین

زنـان بشـر؛ آن دختری که رویش چون قرص ماه درخشـندگی دارد. خـدایت برهمگان برتری داد به فضـیلت، آن کس که به آیات قرآنی او را مخصـوص گردانیـد. خـدای تعـالی تو را به ازدواج جوانی فاضـل درآورد و منظورم همـان علی است که بهـترین مردان است. ای زنـان، در رکاب فاطمه به راه افتیـد که به راستی او عروسـی بزرگوار و دختر شخصـیت بزرگی است. در شـعری نیز که از حضـرت عـایشه نقـل شـده است، شاهـد سـتایش از این گونه هستیم: سـرن بهـا فـالله اعطی ذکرهـا و خصّـها منه بطهر طـاهر یعنی: با نوعروسـی حرکت کنیـد که خدای بزرگ نامش را عطا کرده و به پدر (یا شوهر) پاک و منزهی او را مخصوص گردانیده است. در روایتی که در کتاب «مناقب» از حضـرت امام محمدباقر (ع) نقل شده است، آن حضرت میزان مهریه حضرت فاطمه زهرا (س) را در آسـمان، پنج یک دنیا و ثلث بهشت و چهار رود از رودهای دنیا؛ فرات، نیل، نهروان و بلخ ذکر نموده و در زمین نیز «مهرالسنه یعنی پانصـد درهم نقل فرموده‌انـد. در پایان همین حـدیث است که اشعاری را از «عبـدی» در این باره می خوانیم: و زوج فی‌السـماء بامر ربی بفـاطمه المهـذبه الطّهـور و صـیّر مهرهـا خمسـا بـارض لمـا تحـویه من کرم وحـور فـذا خیرالرجـال و تلـک خیر النسـاء و مهرها خیرالمهور و زوّجهُ بفـاطمه ذوالمـالی علی الارغـام من اهل النفاق و خمس الارض کان لها صـداقاً الا لله ذلک من صـداق مرثیه امام علی (ع) در فقـدان غـم‌انگیز فـاطمه زهرا (س) بسـیار زیبـا و ژرف اسـت. ایـن مرثیه که نـوزده بیت است، در دیـوان منسـوب به آن حضـرت ضبط شده است و زبیربن بکار در کتاب خود با عنوان «الاخبار الموفقّیات» که آن را در نیمه دوم قرن سوم هجری قمری به رشـته تحریر درآورده است و از مصادر قدیمی به شـمار می آید، در این‌باره چنین نوشته است: «مداینی گوید که چون امیرالمومنین علی‌بن ابی‌طالب رضی‌الله عنه از دفن فاطمه فراغت یافت، برسر قبر او ایستاد و این دو بیت را انشاء کرد: لکل اجتماع من خلیلین فرقه و کل الـذی دون‌الممات قلیل و آن افتقادی واحـداً بعـد واحـد دلیل علی ان یدوم خلیل یعنی: جمع هر دو دوست را بریشانی است و هر چیز جز مرگ ناچیز است. اینکه من یکی نفر را پس از دیگری از دست می دهم نشان آن است که هیچ دوست جاوید نمی‌ماند. علامه مجلسی در کتاب شریف «بحارالانوار» نیز این روایت را نقل کرده است. در آن کتاب آمده است که هاتفی از غیب شعر مولا (ع) را پاسخ گفته است و سپس چهار بیت شعر را ذکر نموده است. از جمله نخستین اشعاری که در آن به حضرت فاطمه زهرا (س) اشاره شـده است، می توان به شـعری از یحیی‌بن حکم (برادر مروان) در مجلس یزیدبن معاویه اشاره کرد. چنان که شـیخ مفید (ره) می نویسـد: وی در مجلس یزیـد آنچنان از جنایت ابن‌زیاد و از اسارت خانـدان پاک وحی متأثر شـد که بی‌اختیار این اشـعار برزبان وی جاری گشت: لمام باذنی الطف ادنی قرابه من ابن زیاد العبـد ذی‌الحسب الوغل امیه امسـی نسـلها عـدد الحصـی و بنت رسول‌الله لیس لهـا نسل یعنی: سـرهایی که در کنار طف جـدا شـد، از نظر خویشاونـدی نزدیکتر از پسـر زیاد و بنـده‌ای است که دارای نسـب پستی است. اکنون امیه روزگاری را دارد که دودمانش به شـماره ریگهاست، اما دختر رسول خدا دودمانی ندارد؟! در روایت آمده است که یزیـد آنچنان از ابراز انزجار یحیی‌بن حکم به خشم آمد که بی‌هیچ ملاحظه‌ای درحضور جمع دست خود را محکم برسـینه یحیی‌بن حکم زد. و گفت: سـاکت شو! و اما سـیمای منور حضـرت فاطمه زهرا در شـعر شاعران نامـدار عرب، به ویژه در سـده‌های نخست حکایتی بس شـنیدنی و تأثرانگیز دارد. یکی از شاعران بزرگ عرب، ابوالمستهل، کمیت‌بن زیاد اسدی (متوفای ۱۲۶ ه‍ـ. ق) است که در روزگار دشوار مروانیان به دفاع از اهلبیت (ع) اشـعار بسیار غرایی سرود. قصیده‌های وی به نام «هاشمیات» معروف است و از شـجاعت و حق‌گویی این شاعر بلندآوازه حکایت دارد. سـید اسماعیل حمیدی (۱۰۵ - ۱۷۳ ه‍ـ.ق) معروف به سـید حمیدی از شـاعران شـیعی بلنـد مرتبه عرب و معاصـر امـام باقر (ع) و امام صادق (ع) است. وی نیز دارای اشـعاری بسـیار محکم و تکان دهنـده است. سـید حمیدی در اشـعار خود، پرده از حجابهای تاریخی برمی‌دارد و با صراحت از ستمی که برخاندان نبوت رفته است، سخن می گویـد: و فاطم قـداوصت بان لایصـلیا علیها و ان لا یدنوا من رجا القبر علیاً ومقداداً و ان یخرجوا بها رویداً بلیل فی سـکوت وفی ستر یعنی: فاطمه، علی و مقداد را وصـیت کرد که شب هنگام به آرامی، در خاموشـی و پوشـیده از دیده‌ها، او را به خاک سپارند. و آنهایی که از ایشان ناخشـنود است، بر وی نماز نخواننـد و به قبر او نزدیک نشونـد. یکی از نکات مهم درباره چنین اشـعاری «سنـد»

بودن این آثار است که می‌توان به استناد آن به درک و دریافت تاریخی روشنی از وقایع صدر اسلام نایل شد و همچنین این اشعار می‌تواند پاسخ محکمی باشد بر کسانی که با شبهه‌افکنی، سعی در تحریف تاریخ سراسر مظلومیت اهلبیت (س) دارند. از آنجا که چنین شاعرانی در صدر اسلام و معاصر ائمه (ع) می‌زیسته‌اند و با واقعیتها و حقایق کاملاً آشنا بوده‌اند و به لحاظ قوتی که در آثار آنان وجود دارد و غیرقابل انکار است، می‌توان این اشعار را پاسخ مستند و دندان‌شکنی به شبهه افکنان و مغرضان به شمار آورد. منصور بن زبرقان بن مسلم، معروف به منصور نمری، از شاعران عرب بلندپایه قرن دوم هجری است که در سروده‌های خویش ستمکاران بر آل محمد (ص) را چنان نکوهش کرده است که سرانجام خشم هارون را برانگیخت تا فرمان به کشتن وی دهد. وی در یکی از سروده‌های خویش اینچنین از حضرت فاطمه و ستمی که بر خاندان ایشان روا شده است، سخن می گوید: دینکم جفوه النبی و ما الجافی لآل النبی کالواصل مظلومه والنبی والدها قریر ارجاء مقله حافل الامصالیت یغضبون لها بسله البیض والقنا الذابل؟ یعنی: دین شما ستم بر رسول است - ستمکار و دوستدار آل پیامبر، نه در یک درجه از قبول است. ستم رسیده‌ای که دختر پیامبر است و چشم او در دانه‌های اشک غوطه ور است. شمشیر زنان دلاور کجایند؟ و چرا به خاطر او به خشم نمی‌آیند و دست به شمشیر و نیزه نمی گشایند؟ ابومحمد، عبدالسلام مشهور به «دیک الجن» از شاعران نامدار عرب قرن دوم هجری است (۱۶۱-۲۳۵ ه‍-. ق) وی شاعری نستوه و حق‌جو بود که به خاندان وحی عاشقانه ارادت می‌ورزید و دارای روحی انقلابی بود. از معروفترین آثار برجای مانده از دیک الجن، هشت چکامه اوست که در فضیلت خاندان پیامبر (ص) سروده شده و یکی از این قصاید، قصیده‌ای است در مدح حضرت فاطمه زهرا (س) با مطلع زیر: یا قبر فاطمه الذی ما مثله قبر بطیبه طاب فیه مبیتا ابوعلی ملقب به «دعبل خزاعی»، شاعر شهید شیعی و معاصر امام موسی کاظم (ع) و امام رضا (ع) است. وی را شاعری صریحه اللهجه و با شهامت دانسته‌اند که در طول حیات خویش از حقگویی و دفاع از حریم ولایت هیچگاه فروگذار نکرد. معروفترین اثر دعبل، قصیده تائیه اوست که آن را خدمت امام رضا (ع) قرائت کرد و چنان که در روایاتی آمده است، در هنگام قرائت این اشعار، حضرت امام رضا (ع) از شدت تأثر گریستند و از هوش رفتند و نیز نقل است که آن حضرت ابیاتی برای قصیده افزودند در بخشی از قصیده تائیه، دعبل با حزن و اندوه از فاطمه زهرا (س) یاد می کند و از سرنوشت تلخی که بر خاندان پیامبر روا داشته شد، می‌نالد: افاطم لو خلت الحسین مجدلا وقد مات عطشانا بشط فرات اذن للطمت الخد فاطم عن--ده واجریت دمع العین فی الوجنات افاطم قومی یا بنه الخیر واندبی نجوم سماوات بارض فلاه... یعنی: ای فاطمه، اگر به خاطرت می گذشت که حسین تشنه‌کام در کنار فرات بر روی خاک جان سپرده است، بر کنار او می‌ایستادی و برچهره می‌زدی و اشک برگونه‌ها روان می‌ساختی. فاطمه! ای دختر بهترین آدمیان، برخیز و برستارگان آسمان که برپهنه بیابان افتادند نوحه کن! در اینجا جا داد از دو تن از شاعران گرانسنگ عرب و پیشگامان شعر فاطمی که از طلایه‌داران ادبیات تشیع هستند یاد شود. این دو تن «ابوالاسود دوئلی» و «فرزدق» هستند که در مقام ارجمند آنان تردیدی نمی‌باشد. ظالم بن عمرو (متوفی ۶۹ ه‍-.ق) مشهور به ابوالاسود دوئلی از شاعران و ادبای گرانقدر و از اصحاب و شاگردان حضرت امیرالمومنین علی (ع) بوده است. از کارهای ارزنده و خدمات او می‌توان به این نکات اشاره کرد که وی قرآن کریم را نقطه‌گذاری کرد و همچنین وی را واضع علم نحو دانسته‌اند که البته در تمام این امور، وی به امام علی (ع) استناد نموده است. سلامت و روانی، استحکام و برخورداری از بافت استوار موجب شده است تا اشعار وی در کتب نحو و لغت و علم قرائت مورد استدلال و استشهاد قرار گیرد. وی در یکی از سروده‌های خویش چنین از فاطمه (س) می گوید و بر ستم زمانه خویش برمی‌آشوبد: وانت تظنینهم بالهدی وبا لطف هام بنی فاطمه یعنی: آیا بنی امیه را به هدایت توصیف می کنی؟ چگونه چنین می کنی، حال آنکه سرهای فرزندان فاطمه (س) به جرم حمایت از دین مبین در سرزمین طف، به خاک و خون افتاده است. فرزدق را یکی از بزرگترین شاعران مسلمان و چنانکه ملا عبدالله افندی در «ریاض العلما» ذکر کرده است، شاعری شیعی به شمار آورده‌اند. درباره او گفته‌اند که محضر پنج امام را درک کرده و شأن او در ادبیات عرب به گونه‌ای است که یونس بن حبیب نحوی درباره‌اش گفته است: «اگر شعر فرزدق

نبود، یک سوم ادبیات عرب از بین می‌رفت.» مشهورترین اثر فرزدق، قصیده «میمیه» در فضل حضرت امام علی بن الحسین (ع) در موسم حج است. آنگاه که هشام بن عبدالمالک با حسد درباره امام سجاد (ع) می‌پرسد و فرزدق فی البداهه این شعر را در حضور هشام بر زبان جاری می‌کند و چنان خشم هشام را برمی‌انگیزد که دستور می‌دهد تا نام وی را از دفتر جوائز حذف و او را به زندان بیفکنند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل:

Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کـاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشـریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنمایـد تـا در صورت امکـان در این امر مهم مـا را یاری نماینـدانشاالله. شـماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصـفهان نزد بانک تجارت شـعبه اصـفهان – خیابان مسـجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم ما که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یـاد داده است، هزار هزار، کـاخ قرار دهیـد و از دیگر نعمت‌هـا، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضـمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یـک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینوایی ضـعیف را دارد و تو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینـوا و ضـعیف از پیروان مـا را دارد، امّـا تـو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشـایی که آن بینـوا، خـود را بِدان، نگـاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شـکند؟». [سـپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنـده کنـد و از کفر به ایمـان، ارشـاد کنـد، گویی همه مردم را زنـده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشـیرهای تیز بکشد». مسـند زید: امام حسـین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹